

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۱ جولای ۲۰۲۰

(ویژه نامه ۳ خرداد [جوزا] ۱۳۶۴ - از انتشارات چریکهای فدائی خلق ایران)

۳۰ خرداد [جوزا]، جلوه ای از نبرد خلق و ضد خلق!

روز ۳۰ خرداد [جوزا]، میهن ما شاهد نبردی سترگ و خونین بین حامیان منافع امپریالیسم و خلق ستمدیده ما بود. در آن روز سگان زنجیری جدید امپریالیسم، سردمداران رژیم جمهوری اسلامی بر آن شده بودند، به هر ترتیبی که شده خلق های قهرمان ما را به زانو در آورند. رژیم از مدتی که بر سر کار آمده بود، علی رغم این که در ابتداء حمایت بخشی از توده های متوهم را با خود داشت هرگز نتوانسته بود لحظه ای از آتش مبارزه ضد امپریالیستی خلق های ایران در امان باشد. این رژیم برای گمراه کردن توده ها و ضد امپریالیست جلوه دادن خود به انواع حیل متوسل شده بود، بعضی از سران سابق رژیم را اعدام کرده بود، خیمه شب بازی تسخیر "لانه جاسوسی" را راه انداخته بود و پرچم امریکا را سوزانده بود، او در همه جا شعار "مرگ بر امریکا" می داد ولی با همه این ها، توده ها مبارزات بحق ضد امپریالیستی خود را پیش می بردند، معیار برای آن ها عمل بود نه حرف، البته عملی که نتایج مشخص و مثبت خود را در بهبود وضع مردم داشته باشد، رژیم اگر چه جهت ساختن چهره ای مردمی و ضد امپریالیستی برای خویش به تمهیدات زیادی توسل جسته بود ولی خلق به خیلی از مسائل واقف بود آن ها از عدم لغو قرار دادهای ننگین رژیم سابق با امپریالیست ها توسط رژیم جدید آگاه بودند، آن ها دیده بودند که خلق ترکمن به خاطر حفظ دستاوردهای مبارزاتی خود توسط نیرو های سرکوب رژیم به مسلخ کشیده شد و دیده بودند که دانشگاه به عنوان سنگر مبارزه و آزادی پس از آن که به خون بهترین فرزندان خلق رنگین گشت، به تصرف رژیم در آمده و جو اختناق در آن حاکم گردید. کشتار خلق عرب، بلوچ و کُرد، سرکوب مبارزات دهقانان، کارمندان، دکانداران و ... مسائلی نبود که موجب خشم و نفرت توده ها و سبب تشدید مبارزات آن ها نگردد.

حال دیگر بحث در مورد "لايحه قصاص" صفحات روزنامه ها را پر کرده بود، حکومت می خواست به جنایات ننگین خود جنبه رسمی ببخشد و آن را به نام قانون، بر خلق تحمیل نماید. مبارزه در بالا به مثابه انعکاس رشد مبارزات امپریالیستی توده ها، اوج گرفته و تضادهای درون هیأت حاکمه شدت یافته بود. "بازرگان" این روباه مکار که پشتگر می امپریالیست ها او را به این یا آن کار وامی دارد، دعوت به متینگ خود را در ۲۵ خرداد [جوزا] لغو کرد و از ایراد سخنرانی باز ماند. بنی صدر از فرماندهی کل قواء و از ریاست جمهوری عزل شد و رئیس جمهور به اصطلاح منتخب مردم برای گریز از دست همپالگی های دیرویش به مخفی گاه پناه برد. و بالاخره روز ۳۰ خرداد [جوزا] سازمان مجاهدین در تهران تظاهراتی بر پا داشت.

اعمال جنایتکارانه مزدوران رژیم که برای ایجاد فضای رعب و وحشت در کوی و برزن به گوش توده ها می رساندند، کاملاً خلق را کلافه و مبهوت ساخته بود. اعدام های دسته جمعی، قتل عام اسراء در زندان ها، حمله شبانه و روزانه به منازل مسکونی و ... که از قبل از ۳۰ خرداد [جوزا] آغاز شده بود، پس از آن شدت و وسعت هر چه بیشتری یافت.

اختناق با شدت و وسعتی بسیار بر جامعه حاکم گشت، از همه جا صدای گلوله های نفرت انگیز مزدوران رژیم، که سینه این یا آن نو جوان ۱۳ ساله، پیر مرد و پیر زن ۸۰ ساله، مادران جوان و زنان خانه دار را از هم میدرد، به گوش می رسید. جوانان دسته دسته قتل عام می شدند. امنیت بیش از پیش از جامعه سلب شد.

خلق و روشنفکران انقلابی که در ۲۸ مرداد [اسد] سال ۳۲ و خیانت رهبران خائن حزب توده را آزموده بودند، خیلی خوب می دانستند که رژیم با این اعمال در اندیشه بر قرار ساختن چه فضای نکبت باری بر جامعه است و براستی اگر در مقابل این همه جنایات از جبهه خلق صدای گلوله بر نمی خاست، چه سرنوشتی در انتظار خلق بود؟ "خون پاسخ هر خون" و جواب "مسلسل را باید با مسلسل داد"، ضرورت مبرمی بود که به خواست قلبی توده ها تبدیل شده بود. حاکمان وقت در مورد قدر قدرتی خود لاف می زدند، رفسنجانی این غلام حلقه به گوش امپریالیسم از این که از اول روی کار آمدن دست به کشتار خلق نزده اند (!!) ابراز ناراحتی کرده و می گفت: "... اگر آن روز، منظوم اوانل انقلاب است، که ۲۰۰ نفر از این ها را می گرفتیم و اعدام شان می کردیم، امروز این قدر نمی شدند. امروز اگر با قاطعیت در مقابل گروهک های منافق و عمال امریکا و شوروی نایستیم، سه سال دیگر به جای هزار باید چندین هزار نفر را اعدام کنیم." (اطلاعات ۶۰/۷/۱)

گیلانی جنایتکار به مزدوران زیر دستش فرمان داد که "محارب بعد از دستگیر شدن توبه اش پذیرفته نمی شود و کیفر همان است که قرآن بیان می کند، کشتن با شدید ترین وجه، حلق آویز کردن به فضاحت بارتترین حالت ممکن، دست راست و پای چپ آن ها بریده شود" (کیهان ۶۰/۶/۲۹) و افزود که "در کنار همان دیواری که تسلیم می شوند اعدام شان کنید زیرا اسلام (بخوان) امپریالیسم اجازه نمی دهد که بدن مجروح این گونه افراد یاغی به بیمارستان برده شود بلکه باید تمام کشته شوند". (همانجا) موسوی جنایتکار دادستان کل خمینی گفت: "هر کس در برابر این نظام و امام عادل مسلمین بایستد، کشتن او واجب است. اسیرش را باید کشت و زخمی اش را زخمی تر کرد تا کشته شود" (کیهان ۶۰/۶/۲۹) و مشگینی اصرار ورزید "هر کسی در خیابانی و در جای دیگر علیه حکومت اسلامی قیام کرد، در همان جا باید حکم اعدامش صادر شود" و موسوی اردبیلی اضافه کرد "رحم به این ها خیانت به اسلام است" (جمهوری ۶۰/۸/۲۳) و ...

ولی نه تهدید و ارعاب، نه جنایت و وحشیگری رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، هیچ یک قادر نشد آتش مبارزه را در جامعه ما خاموش سازد و انقلاب مختنق شده با نیرو و توان بسیارش پیش رفت...

به نقل از: پیام فدائی، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران
شماره ۲۵۱، خرداد ماه [جوزا] ۱۳۹۹